

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نښاد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

بهرام رحمانی
۲۰ مارچ ۲۰۱۳



بهار زیبا باز فرا رسیده است!

خجسته بهار، سر آغاز فصل هاست که با عشق و طراوت، شادابی و سرسبزی خود، زندگی انسان و طبیعت را دگرگون می سازد. فصل با طراوتی که به همه جانداران عزم و انگیزه دوباره زیستن و دوباره ساختن می دهد. نخستین روز بهار، گوئی نخستین روز آفرینش زمین و طبیعت، سرسبزی و طراوت، شادابی و رهائی از رخوت و ظلمت است؛ عالم و آدم از بزرگ و کوچک و پیر و جوان، شتابان به استقبال بهار می روند تا اندوه و انزوای زمستان را به فراموشی سپارند و با وجد و نشاط و با رقص و پایکوبی، جشن شکوفه ها را برپا دارند؛ ترانه عشق و آزادی سر دهند و به قدرت و همبستگی انسانی خویش به تغییر وضع موجود امید داشته باشند. بهار با واژه زندگی و آزادی و همبستگی انسانی گره خورده است. از ویژگی های این پیوند، زدودن کینه ها و پلیدی ها از دل ها و جایگزین کردن مهر و عشق، آزادی و برابری و همبستگی است. در این پیوند، نوید زندگی نوینی آرزوی همگان است.

بی تردید در فضای آکنده از خفقان و سرکوب، ظلم و ستم، نابرابری و بهره کشی انسان از انسان، حتی نفس کشیدن نیز بس سخت و دشوار و جانکاه است. به این ترتیب، در رشد و شکوفایی انسان ها نشاط و بالندگی، آزادی و برابری، رفاه و عدالت اجتماعی، عشق و دوستی، جایگاه ویژه تری دارند. چرا که انسان در ظلمت و تاریکی، فساد و تباهی، درد و رنج، تشویش و نگرانی، غم و اندوه، یأس و ناامیدی، سانسور و اختناق، فقر و بدبختی، نمی تواند باورها و ایده ها و خلاقیت هایش را شکوفا سازد. به خصوص وضعیت ظالمانه ایران، شایسته هیچ انسانی و جامعه ای نیست!

در این جاست که بهار و طراوت بهاری برای جوامعی چون جامعه ما، به دنبال نفس کشیدن دوباره زمین و زایش طبیعت و آغاز زندگی نو، معنی و مفهوم فراتری پیدا می کند و به معنای واقعی، رهائی انسان از قید و بند هرگونه

فشارهای سنتی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ایدئولوژیک در اولویت زندگی اش قرار می گیرد. و دوباره زیستن و دوباره ساختن و نو کردن همه چیز و همه جانبه به مسأله روز جامعه تبدیل می گردد.

نوروز و آمدن بهار و طراوت و شادابی دوباره طبیعت از دوران های بسیار قدیم، همواره مورد توجه همه شعراء بوده و هر یکی با توجه به زمینه فکری، شور و ذوق و موقعیت شان، به نوعی به وصف نوروز و بهار و جلوه های زیبای طبیعت پرداخته اند.

عمر خیام نیشابوری، که در قرن پنجم می زیسته، یکی از آثار مهم وی رباعیات است که شهرت جهانی دارد. کلام خیام، آگاهی دهنده است و خواننده را به تفکر وامی دارد. رباعی زیر، که خیام درباره نوروز، گل و ناپایداری گل و سبزه و خاک است، بسیار دل نشین و معنادار است:

برچهره گل شبنم نوروز خوش است
در صحن چمن روی دل افروز خوش است
از دی که گذشت هر چه گوئی خوش نیست
خوش باش و ز دی مگو که امروز خوش است

چون ابر به نوروز رخ لاله بشست
برخیز و به جام باده کن عزم درست
کاین سبزه که امروز تماشاگه تست
فردا همه از خاک تو برخواهد رست

بنگر ز صبا دامن گل چاک شده
بلبل ز جمال گل طربناک شده
در سایه گل نشین که بسیار این گل
از خاک برآمده است و در خاک شده

به این ترتیب، نوروز و بهار این سنت دیرینه و مثبت و شادی بخش جامعه ما که ریشه در دل طبیعت و دوباره زیستن دارد، کم ترین ربطی به گرایشات ملی و مذهبی ندارد و در طبیعت و همبستگی انسانی ریشه دارد، همواره دل ها را به هم نزدیک می کند و عشق و و همبستگی، جست و جوگری و پیکارگری را به ارمغان می آورد، را باید گرامی داشت! امیدوارم در سال نو زیباترین گل ها، دلچسب ترین قدردانی ها، زیباترین لبخندها، شادکامی ها، تندرستی ها، و مسرت بخش ترین خبرها و موفقیت ها، آذین بند زندگی هر روزه شما باشد!

در شکفتن هوای بهاری، برای همه انسان های آزاده، سالی موفقیت آمیز، سر سبز، شادی آفرین و اندیشه های پویای آزادی خواهانه، برابری طلبانه و عدالت جویانه آرزومندم! غرق در شادی و شکوفه ها شویم، انرژی نویدبخش بهاری بگیریم و محکم و پر قدرت برای تغییر و دوباره ساختن و دوباره زیستن جامعه مان برخیزیم!

با احترام

بهرام رحمانی